

اگر روحانیون مسلمان

اسلام را همانند امام صدر عرضه می‌کردند،

اثری از مسیحیت و سایر ادیان باقی نمی‌ماند.

جرج جرداق

سید موسی صدر

نگاهی به زندگی و مبارزات امام موسی صدر

نوشته: ابر سادقی

سر پتنامہ: صادق، امیر، ۱۳۶۰

عنوان و نام پدیدآور: سید موسی صدر / نویسنده امیر صادقی

مشخصات نشر: تهران: شیراز اهل قلم، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاہری: (۹۶) قمری، ۱۰/۵۰ (۲۱/۵۰) سن، ۱۰/۵۰

روست: کتاب فاش جونی: ۱۱

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۲۷-۲۴-۲

وضعیت قدرت نوپس: قهار

موضوع: صلیر، موسیٰ: ۱۲۰۷-۹۰۰

موضوع: مجتهدان و علما - ۲۲ لیسانس - ۲۱ سرگدشت نامه:

موضوع: اصلاح فلبین - - کشورهای اسلامی

ردہ بندی نشریات: ۱۰۴۷، ص: ۲، BP 327/1

۲۹۶۱۳۱۶

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۰. مجموع شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
مرکز پخش: ۰۲۱-۳۳۲۵۵۳۷۷. پیامک: ۰۳-۹۳۷۰۷۷۰۲۳
شماره حساب جهت خرید تلفنی: ۰۷-۱۰۱۷۱۷۰۵۴۰۷. بیا

نمایندگی های فروش:

اصفهان: قدک ۲۲۰۵۲۸۵، مسک ۲۳۲۱۷۰۹، سوره مهر ۲۲۶۲۹۹۷

بابل: چهارسوق، مجتمع خاتم الانبياء، (ص)، طبقة سوم. كتاب مهتاب ۲۱۹۸۹۰۸

بجنورد: نبش میدان دفاع مقدس کانون فرهنگی نور ۲۲۳۲۲۸۶

تبریز: کتاب فروشی شغیع زاده ۵۵۶۲۱۶۷ - مرکز کتاب رسانی صبا ۳۳۵۹۷۹۲

تهران: پاتوق کتاب ۸۸۹۱۱۲۱۲، کیهان ۶۶۴۶۱۲۷۵، نشر کتاب ۶۶۹۷۷۵۸.

د زږول، د وروړو، حرم حضرت سید قبا- مرکز فرهنگي وارشين ۲۲۳۱۸۵۳

رشت: خیابان سعدی، کوچه پورنقاشیان- کتابسرای آفتاب مهتاب ۲۲۵۲۱۵۸

سبزووار: میدان مادر، خیابان امیر مسعود شمالی، نبش امیر مسعود ۶، کتاب آسمان ۲۲۹۶۳۲

نمیراز: خیابان زند، پاساژ صاحب الزمان (عج)، پلاک ۶، بچه‌های کتاب ۲۴۰۵۹۴۴

فلسفہ میدانِ پلیسی، پاساژ گل خندان، جیبہ کتاب ۲۲۱۵۸۶۶

رقم: نشر معارف ۷۷۲۵۹۵۱. مجلد جمعکران ۷۲۵۳۳۱۰. عماد ۷۸۲۹۹۰۱. کتاب فردا ۷۷۱۶۹۹۲۵

کاشان: چهارراه آیت الله کاشانی، خانه کتاب ۹۰۹-۴۴۶

مشهد: چهارراه شهدا، آزادی ۲، مجتمع گنجینه کتاب، کتاب آفتاب ۲۲۲۲۲۰۲

همدان: جنب دانشگاه بوعلی سینا، فروشگاه رواق ۸۳۵۶۴۸

برآورد: خیابان دانشانی، کوچه پاساژ آزادی، جنب حوزة هنوی، فوشگاه آسمان ۶۲۳۳۰۷۰

کتابدانشجویی نهایتدگی فروش می پذیرد

[illegible]

کلیه مقبولی حاصل است به استثنای مرآت اما فلور و کازانه ممکنه یکی برداری در پیب ضلع

info@kctvnews.com

می نویسم تا یادم نرود...

خوش تیپ بودی! قشنگ لباس می پوشیدی؛ عبای مشکی نازک. تابستان‌ها رنگ‌های روشن. بلوز یقه‌اسکی دوست داشتی. گردن‌ات بلند بود و بهت می‌آمد. ساعت می‌بستی و انگشتر دست می‌کردی.

«نعلین» نمی‌پوشیدی، فقط کفش معمولی مشکی. «دشداشه» نمی‌پوشیدی؛ هیچ وقت، هیچ جا.

کم غذا بودی. می‌گفتی: «یک چهارم همین که می‌خوریم، بس است». فشارت که می‌افتاد، شیرینی می‌خوردی. بعد از ناهار کمی می‌خوابیدی؛ سرجمع ۵ تا ۱۰ دقیقه.

می‌نویسم تا یادم نرود...

از گریه‌ی بچه‌ها بغض می‌کردی. با بچه‌ها حرف می‌زدی؛ اگر سر حال بودی، شوخی هم می‌کردی. کلاً بچه‌ها را خیلی تحویل می‌گرفتی.

گاهی زیر لب شعر می‌خواندی. به عربی و فرانسه مسلط بودی. انگلیسی هم می‌دانستی. قرار گذاشته بودی بچه‌ها در خانه،

فقط فارسی حرف بزنند؛ نه عربی، نه فرانسه.

قابل اعتماد هستی. جوان‌های فامیل حرف دل‌شان را فقط به تو می‌گفتند. بچه‌ها را این جواری تنبیه می‌کردی: با آن‌ها حرف نمی‌زدی؛ چند ساعت تا یک روز.

هیچ وقت مستقیم توصیه نکردی؛ این کار را بکن یا آن کار را نکن! اهل پرس و جو نبودی؛ نمی‌پرسیدی نماز خواندی؟ نخواندی؟ کی خواندی؟

می‌نویسم تا یادم نرود...

نمی‌گذاشتی دستت را ببوسند.

درباره آدم‌ها پیش‌داوری نمی‌کردی. اصل بر خوب بودن همه است، مگر خلافش ثابت شود. صدايت را بلند نمی‌کردی. عصبانیت یا دل‌خوری‌ات را نشان نمی‌دادی؛ به همه محبت می‌کردی.

می‌نویسم تا یادم نرود...